

موانع پیشرفت مادی از دیدگاه صحیفه سجادیه

علی انجم‌شعاع^۱

چکیده

صحیفه سجادیه کتابی کامل است که علاوه بر مسائل معنوی، به زندگی مادی افراد نیز اهمیت داده است. در این کتاب شریف گزاره‌های بسیاری در موضوع پیشرفت مادی و موانع آن منعکس شده است. آنچه مقاله حاضر به آن پرداخته، «موانع پیشرفت مادی از نگاه صحیفه سجادیه است. تاکنون تحقیقی در این باره انجام نگرفته در حالی که نتایج این پژوهش نشان‌گر عمق نگاه و توجه اهل بیت علیهم‌السلام به زندگی مادی افراد است. وجود موانع مادی و فراوانی آنها در معیشت مردم، همزمان با سعی انسان بر گسترش و ارتقاء زندگی، پرداختن به این موضوع را ضروری می‌کند. برطرف شدن این موانع می‌تواند موجب توسعه زندگی مادی انسان شده و بشریت را از فقر نجات دهد. با توجه به گزاره‌های موجود در این کتاب شریف، دوازده محور مرتبط با موانع پیشرفت مادی ارائه شده است.

واژگان کلیدی

امام سجاده علیه‌السلام، رشد مادی، تأثیر ظلم، فقر و تنگدستی، دعا، معارف قرآن و حدیث.

درآمد

صحیفه سجادیه نه تنها برای مسائل باطنی و روحی بشریت، بلکه برای بسیاری از عرصه‌های فردی و اجتماعی افراد، معارفی ژرف دارد. یکی از این معارف، موضوع زندگی مادی بشر و موانع پیشرفت آن است.^۲ نگاه‌شسته حاضر به شناسایی و ارائه این موانع از کتاب صحیفه سجادیه پرداخته است.

۱. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه. (a.a.shoa@gmail.com)

۲. جنبه معنوی این موضوع بررسی و در مقاله‌ای با عنوان «موانع پیشرفت معنوی از دیدگاه صحیفه سجادیه» از همین نویسنده در شماره هفتم مجله دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث چاپ شده است.

به دلیل گسترش مسائل مادی انسان در جهان امروز و وجود موانع فراوان آن، پرداختن به موضوعاتی از این دست ضروری است. همچنین با مرور مباحث این پژوهش، می‌توان به بخشی از نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) در موضوع پیشرفت و موانع آن دست یافت.

با توجه به معارف ژرف این کتاب، می‌توان راه صحیح زندگی را پیمود و از محتوای آن برای برنامه اقتصادی نیز بهره گرفت. همچنین با پیاده‌سازی معارف صحیفه سجادیه در سطح اجتماع، می‌توان سبک زندگی اسلامی را در حوزه مادی رواج داد.

پیش‌تر نوشتارهایی مانند «عوامل پیشرفت از منظر قرآن کریم»^۳، «قرآن کریم و راه‌کارهای توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی»^۴ و «مبانی و شاخص‌های رشد معنوی انسان در قرآن»^۵ مباحث خوبی را درباره پیشرفت از نگاه قرآن کریم مطرح کرده‌اند، ولی به موانع پیشرفت نپرداخته‌اند. مقاله «غلبه بر موانع موفقیت از دیدگاه قرآن و روایات»^۶ نیز به برخی موانع اشاره کرده و تمرکزی بر روی صحیفه سجادیه نداشته است؛ بنابراین مقاله حاضر، نخستین نگاشته‌ای است که موضوع موانع پیشرفت مادی را در صحیفه سجادیه، مطرح می‌کند.^۷

روش این تحقیق، کتابخانه‌ای بوده و از متن «صحیفه کامله مشهوره» بهره برده است. با گردآوری داده‌های لفظی و معنایی، گزاره‌های مرتبط در قالب فهرست موانع پیشرفت مادی ارائه شده است. آنچه در این مقاله مورد کوشش قرار گرفته، جمع‌آوری همه موانع پیشرفت مادی است، ولی ممکن است با نگاهی دیگر بر این موارد افزوده شود.

نگاه این مقاله، گردآوری داده‌های سلبی بوده؛ زیرا هر چیزی که امام (علیه‌السلام)، دفع و رفع آن را از خدا بخواهد، امری زیانبار و مانع رشد آدمی است.

تحقیق کنونی به دنبال «مانع پیشرفت مادی» است نه «مانع مادی پیشرفت». پژوهنده بدون در نظر گرفتن جنس مانع از جهت مادی یا معنوی بودن، به دنبال اثر آن است که در کدام یک از دو حوزه مادی یا معنوی قرار می‌گیرد. گاهی جنس مانعی مادی است ولی اثر غالب یا شناخته‌شده آن

۳. نوشته مهدی رستم‌نژاد.

۴. نوشته سیدمحمدرضا علاء‌الدین.

۵. نوشته محسن قاسم‌پور.

۶. نوشته الهه سلیم‌زاده و محمدحسین توانایی.

۷. پایان‌نامه «موانع پیشرفت انسان از منظر صحیفه سجادیه و تطبیق آن با آیات قرآن» به قلم نگارنده و با راهنمایی استاد محمدعلی مجد فقهی و مشاوره حجت الاسلام و المسلمین شهاب‌الدین مشایخی در سال ۱۳۹۶ دفاع شد. مقاله کنونی برگرفته از این پایان‌نامه است.

بر جنبه معنوی زندگی انسان است و گاهی جنس مانع، معنوی است ولی تأثیر روشن آن بر جنبه‌های مادی زندگی است. مثلاً «خودپسندی» موضوعی مادی است که اغلب از توانگری افراد ناشی می‌شود؛ اما به‌خاطر تأثیر زیاد آن بر روحیه افراد، مانعی برای پیشرفت معنوی به حساب می‌آید. از سوی دیگر «ترس» موضوعی معنوی است که مانعی مادی برای پیشرفت است.

به دلیل فراوانی گزاره‌ها در این موضوع، مقاله حاضر همه داده‌های موجود از صحیفه را مطرح نمی‌کند بلکه در هر محور تنها به یادکرد چند گزاره اکتفا می‌شود. ملاک چینش عناوین، کمیت گزاره‌های مربوط در صحیفه سجادیه است.

نکته قابل توجه این است که وجود این معارف در دعا‌های امام سجاده علیه السلام بدین معنا نیست که ایشان دچار موانعی مانند ظلم یا ناسپاسی شده بودند؛ بلکه چنین سخنی خلاف عقاید قطعی شیعه بوده و در جای خود، عصمت ائمه علیهم السلام ثابت شده است. ارائه این معارف از ناحیه امامان، برای آموزش چگونگی رویارویی با این دست از موانع بوده و نیز زمینه‌ای برای بالا رفتن درجات ایشان است. در ادامه این موانع در قالب دوازده بخش ارائه شده است:

۱. بلا و حوادث

موضوع «بلا و حوادث» در صحیفه سجادیه اهمیت داشته و دعای هفتم به آن اختصاص داده شده است.^۸ «بلاهای طبیعی و حوادث» از اتفاقاتی است که می‌تواند در سرنوشت مادی انسان اثرگذار باشد. بشر، بسته به نوع برخوردش در حوادث، باعث سقوط یا رشد خویش می‌شود.^۹ دعا کردن هنگام نزول بلا و حوادث، موجب جلب رحمت خدا و کاهش مدت و پیامدهای بعدی آن است.^{۱۰} امام زین‌العابدین علیه السلام با پناه بردن از بلاها و حوادث به خداوند متعال و دعا نمودن در این زمینه، راه از بین رفتن آن را نیز گوشزد نموده‌اند.^{۱۱}

در صحیفه به سه نوع حوادث اشاره شده است. از موضوعاتی که امام زین‌العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه از آن درخواست حمایت دارند، «حوادث روزگار» است. دلیل این رخدادها همیشه عذاب و

۸. دعای پانزدهم با عنوان «دعای هنگام مریضی و ناراحتی و بلا» و دعای بیست و دوم با عنوان «دعا هنگام سختی‌ها» از ادعیه مرتبط دیگر است.

۹. چنانچه افراد در مصیبت‌ها به خداوند اعتراض کرده یا عنان از کف بریده و بی‌صبری نمایند، چنین عملی موجب سقوط و نابودی خواهد بود.

۱۰. ن. کذ ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالسادین، ج ۲، ص ۳۰۳.

۱۱. ن. کذ الصحیفه السجادیة، ص ۲۲۸.

نقمت خدا نبوده و گاهی چنین رویدادهایی در اثر تغییرات طبیعی رخ داده و موجب توقف پیشرفت جامعه است؛ لذا امام چهارم علیه السلام از حوادث روزگار به خداوند پناه می‌برد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اكْفِنَا حَدَّ تَوَائِبِ الزَّمَانِ.^{۱۳}

بارخدا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را از سطوت حوادث زمان حفظ فرما.^{۱۳}
«حد» به معنای سختی و «توائب» حوادثی است که بر افراد نازل می‌شود.^{۱۴} در این فراز امام سیدالعابدین علیه السلام از خداوند می‌خواهد تا انسان را در سختی حوادث قرار ندهد:

وَ تَعُوذُ بِكَ مِنْ ... يَنْكِبَنَا الزَّمَانُ.^{۱۵}

بارخدا! به تو پناه می‌بریم از اینکه روزگار ما را واژگون بخت گرداند.
«نکب» در لغت برای مصیبت‌ها و حوادث روزگار کاربرد دارد.^{۱۶} امام سجاده علیه السلام نه تنها خود، بلکه فرزندان و ذریه خویش را از شر گزندگان و حوادث به خدا سپرده و درخواست حفظ آنها را دارد.^{۱۷} صحیفه سجادیه علاوه بر تأکید بر سختی حوادث و مانعیت آن در رشد آدمی، به راه پیشگیری از حوادث نیز پرداخته است. کمک گرفتن از خداوند در برطرف شدن این مشکلات و دیدن عظمت خداوند در برابر کوچکی سختی‌ها، نکاتی است که امام زین‌العابدین علیه السلام به آن اشاره دارد.^{۱۸} این کتاب شریف همچنین خداوند را حافظ انسان در برابر حوادث می‌داند.^{۱۹}

گاه مصیبتی که بر افراد وارد می‌شود ظاهراً حادثه‌ای طبیعی است ولی درحقیقت برای «آزمایش» و سنجش صبر و تقوای افراد است. صحیفه سجادیه آزمایش الهی را موجب پسرفت ندانسته و از آن استعاذه نجویده، بلکه از خدا می‌خواهد تا افراد را در آزمایشی که نمی‌توانند از آن سربلند بیرون آیند قرار ندهد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

۱۲. همان، ص ۴۶.

۱۳. نگارنده برای ترجمه صحیفه سجادیه در این پژوهش، از ترجمه عبدالمحمد آیتی بهره‌مند شده است.

۱۴. ن. کذ ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین، ج ۲، ص ۱۵۸.

۱۵. الصحیفه السجادیة، ص ۵۶.

۱۶. ن. کذ لسان العرب، ج ۱، ص ۷۷۳.

۱۷. ن. کذ الصحیفه السجادیة، ص ۱۱۴.

۱۸. یا مَنْ تُحِلُّ بِهِ عَقْدَ الْمَكَارِهِ، وَ یا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حَذَّ الشَّدَائِدِ، وَ یا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمُخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرْجِ. الصحیفه السجادیة، ص ۵۲.

۱۹. همان، ص ۴۴: «وَ تَعْبِيَهُمْ بِهَا عَلَيَّ مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْهِ مِنْ بَرٍّ، وَ تَقْبِيَهُمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ»؛ و چون در کاری نیک از تو مدد خواهند، یاری‌شان کنی و از حوادث روزان و شبان - مگر آنچه خیرشان در آن باشد - حفظ کنی. «طوارق» جمع طارق و به معنای حادثه‌ای است که در شب و روز واقع می‌شود. (ن. کذ المعانی الجلیة فی شرح الصحیفه السجادیة، دعا ۴، فراز ۱۶) ولی برخی این واژه را فقط برای حوادث شبانه مناسب دانسته‌اند. (ن. کذ تاج العروس، ج ۱۳، ص ۳۹۸)

وَ عَافِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَ إِمَائِكَ. ۲۰

بارخدايا! مرا سلامت عطا کن و از آن بلا که غلامان و کنیزان خود بدان مبتلامی‌سازی
رهایی بخش.

امام علیه السلام از خداوند می‌خواهد که اگر انسان مورد آزمایش الهی قرار گرفت، این حادثه به قدری
طاقت‌فرسا نباشد که موجب سرافکندگی در پیشگاه خداوند شود:

وَ لَا تَفْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَ لَا تَسْمُنِي حَسِيَسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَ لَا
نَقِيصَةً يَجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي. ۲۱

بر سر من حادثه‌ای دردناک و سخت مفرست که شکوه و آب و رنگ من از میان ببرد
و مرا به مقامی فرومایه که قدر و منزلت من را حقیر گرداند یا به نقیصه‌ای که بدان
مقام و مرتبت خویش از کف بدهم گرفتار منما.

گاهی آنچه بر انسان وارد می‌شود حادثه و آزمایش نیست و درواقع «بلایی» از جانب باری تعالی
است. بلا نتیجه خشم و غضب خداوند بوده و نشان‌دهنده توقف جامعه در رشد و تعالی است. به
همین جهت صحیفه سجادیه از نزول آن بر جامعه و افراد، به خداوند پناه برده است:

وَ أَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ. ۲۲

ای خداوند! مرا از شماتت دشمنان و از نزول بلا در پناه خوددار.
منظور از «بلاء» در این فراز، عذابی است که بر انسان واقع می‌شود؛ چراکه حوادث طبیعی امری
نیست که سرزنش دیگران را در پی داشته باشد و درواقع آنچه موجب شماتت دیگران است، عذاب
الهی است. عقوبتی که از جانب خدا و به‌خاطر اعمال بد نازل می‌شود بسیار سخت بوده و قابل تحمل
نیست.

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجُحْدِ، وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ. ۲۳

بارخدايا! مرا طاقت رنج نیست و مرا یارای شکیبایی در بلا نیست.
بلا ناشی از رفتار بد و زشت انسان‌هاست. عذاب درواقع انتقام الهی از این رفتارهای ناپسند است
که روزنه امید به سعادت را بسته، افراد را به هلاکت واقعی می‌کشاند.

۲۰. الصحیفه السجادیة، ص ۲۲۶.

۲۱. همان، ص ۲۲۸-۲۳۰.

۲۲. همان، ص ۲۲۸.

۲۳. همان، ص ۱۰۸.

امام سجاده علیه السلام از خداوند می‌خواهند که مؤمنان را از کیفر کسانی که مستحق این مصائب هستند جدا نماید و به عذاب دچار نکند.^{۲۴} ایشان از خداوند می‌خواهد تا انسان هدف بلاها واقع نشود؛ چراکه بندگان بیچاره و ناتوان از دفع آن هستند و نمی‌توانند در برابر خشم الهی دفاعی داشته باشند.^{۲۵}

امام علیه السلام فقط به فکر زمان بلا و عذاب نبوده‌اند، بلکه آرامشی را از خداوند طلب می‌کنند که بدون عصیان، گناه و ملالت باشد. چنین آرامشی می‌تواند انسان را به کمال و رشد برساند.^{۲۶} امام زین‌العابدین علیه السلام به جای نزول بلا از خداوند نعمت عافیت را طلب کرده‌اند^{۲۷} و او را به‌خاطر دور کردن عذاب از افراد حمد و سپاس می‌نماید.^{۲۸}

آنچه در این فصل بیان شد مواردی است که امام سجاده علیه السلام درباره مانعیت «بلا و حوادث» در پیشرفت زندگی مادی انسان بیان فرموده‌اند. چنانچه افراد در سوانح، بی‌صبری و کفران نعمت نمایند، چنین عملی موجب سقوط شده و اگر از این اتفاق برای نزدیک شدن خود به خدا استفاده نمایند، موجب رشد خواهد بود. در صحیفه سجادیه به سه نوع مصیبت اشاره شده است. «سوانح طبیعی» نوع اولی است که می‌تواند مانع از رشد مادی بشر باشد و امام زین‌العابدین علیه السلام از آنها به خداوند پناه برده‌اند. نوع دوم حوادث وارده، درواقع «آزمایش» از ناحیه خداوند برای افراد است. امام چهارم علیه السلام سربلندی مؤمنان را از چنین سنجشی خواستارند. بلا و «عذاب» نیز مصیبت دیگری است که در اثر گناه و عصیان دامن‌گیر جوامع می‌شود.^{۲۹}

۲. حکومت ستمگر

حکومت‌ها در پیشرفت و آبادانی مادی و معنوی جامعه بسیار حائز اهمیت بوده و اجتماع جز با حکومت عادل و مقتدر قابل اداره نیست. «حکومت ستمگر» نظامی است که پایبند به حقوق مردم نباشد. چنین سازمانی در امور دنیوی و هم اخروی مانع پیشرفت جامعه است؛ ولی اثر آن در دنیای انسان نمود بیشتری دارد. ایجاد امور باطل و از بین بردن حق، چپاول منابع و حقوق مردم، بدعت و تغییر دین، از آثاری است که حکومت‌ها در ایجاد آن نقش داشته و باعث توقف رشد فرد و جامعه می‌گردد.

۲۴. «الْمُتَأَمِّنِينَ مِنَ الْبُلَاءِ بِرَحْمَتِكَ» (الصحيفة السجادية، ص ۱۲۲ و ن. کد ص ۲۲۴)

۲۵. ن. کد همان، ص ۲۴۰.

۲۶. ن. کد همان، ص ۶۲.

۲۷. «فَأَمَّنُنِي عَلَى قَبْلِ الْبُلَاءِ بِالْعَافِيَةِ»؛ پس ای خداوند! پیش از در رسیدن بلا، نعمت عافیتم ده. (الصحيفة السجادية، ص ۹۸)

۲۸. فَلَنْ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَّعْتَنَا مِنَ الْبُلَاءِ. (الصحيفة السجادية، ص ۱۶۰)

۲۹. جهت مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: الصحيفة السجادية، ص ۱۶۰.

در اعصار گذشته به جای برپایی حکمرانی اسلامی، دولت‌هایی فاسق، فاسد و باطل بر سر کار آمدند. مردم برخلاف متون دین، باطل را بر حق ترجیح داده و به حکومت‌های ظالم تن دادند.^{۳۰} از این پادشاهی‌ها، امویان بودند. امام سجاده علیه السلام در عصری زندگی می‌نمود که حکام اموی به هیچ قیدوبندی متعهد نبوده و علاوه بر فراموش کردن دین و معنویت، به بدعت‌گذاری و چپاول اموال و بیت‌المال روی آورده بودند.

امام سجاده علیه السلام در دعای چهاردهم علیه «ظالمان» شکوه و دعا می‌فرماید. منظور از ظالمان در زمان امام زین‌العابدین علیه السلام حکومت اموی بود که از مخالفان اهل‌بیت علیهم السلام تشکیل شده بود. در چنین شرایطی امام چهارم علیه السلام از این نوع حکومت‌ها که سرلوحه کار خود را فسق، فجور و ظلم قرار داده‌اند به خدا پناه می‌برد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اكْفِنَا ... سَرَّ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ، وَ مَرَارَةَ صَوْلَةِ
السُّلْطَانِ.^{۳۱}

بار خدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و ما را از شر دام‌های شیطان و تلخی قهر سلطان حفظ فرما.

دولت‌ها باید تمامی اهتمام خود را برای خدمت به مردم اختصاص داده و به دنبال امنیت، معیشت و دیگر نیازهای جامعه باشند. غالب حکومت‌ها در طول زمان چنین اهدافی نداشته و به دنبال چپاول اموال مردم بوده‌اند؛ بنابراین امام سیدالعابدین علیه السلام از ظلم و ستم سلاطین به خداوند پناه می‌برد:

وَ عَوْدُ بِيك مِنْ ... أَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكَبَنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمَنَا
السُّلْطَانِ.^{۳۲}

بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از اینکه شیطان بر ما چیره شود یا روزگار ما را واژگون بخت گرداند یا پادشاه بر ما ستم ورزد.

امام علیه السلام از خداوند می‌خواهد تا انسان را از شر سلطان کینه‌توز و همچنین شیطان نجات دهد. در تمامی گزاره‌هایی که درباره سلطان جائر در صحیفه سجادیه ذکر شده به موضوع شیطان نیز اشاره گردیده است. گویا شیطان و سلطان جائر هر دو در تضعیف انسان و توقف زندگی مادی و معنوی آنها تلاشی همسو دارند.

۳۰. ن. كذ الصحيفة السجادية، ص ۵۶.

۳۱. ن. كذ همان، ص ۴۶.

۳۲. الصحيفة السجادية، ص ۵۶.

وَاعْذِنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ،
وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَيْنِي. ۳۳

ای خداوند! مرا و ذریه مرا از شیطان رجیم در پناه خود دار و از آسیب هر گزنده زهدار و هر بیم و هراس و بلا و چشم زخم در امان دار و از شر هر شیطان سرکش و هر پادشاه ستمگر کینه‌توزی پناه ده.

«حکومت ستمگر» یکی از موانع مادی در پیشرفت انسان است. سلطان جائر می‌تواند با تاراج و غصب اموال، مانع از رشد اقتصادی جامعه و افراد شود. امام سجاده علیه السلام با پناه بردن از حکام ظلم و جور به خداوند، از پروردگار درخواست حفظ از بدعت‌های شوم این افراد را دارد. ۳۴

۳. دشمن

برخی با علم و برنامه سعی در کند نمودن مسیر پیشرفت جامعه و افراد دارند و به نوعی «دشمن» محسوب می‌گردند. کتاب شریف صحیفه سجادیه به دلیل اهمیت موضوع، دعای چهل و نهم را به «دشمن و دفاع از او» اختصاص داده است؛ البته موضوع شناخت و پناه بردن از خصم به این دعا اختصاص نداشته و در سایر ادعیه نیز جاری است.

این معاندان با طمع و ورزیدن به سرمایه‌های مادی، به دنبال نفوذ و شکست دیگران هستند. برخی از این جریان‌ها با مواردی مثل دین و عقاید مسلمانان مخالف بوده و دشمنی آنها در این زمینه است؛ اما این موارد کم بوده و بیشتر دشمنی‌ها به خاطر قدرت‌طلبی و تأمین منافع مادی است؛ لذا با هر نیرویی می‌کوشند تا جلوی پیشرفت جوامع دیگر را بگیرند.

صحیفه سجادیه به تمامی مصادیق دشمن اشاره نکرده اما واضح است که منظور امام زین‌العابدین علیه السلام دشمنان خارجی و معاندان داخلی است که هدف واحدی را در رکود انسان و جامعه دنبال می‌کنند.

امام سجاده علیه السلام با اشاره به این افراد از نیت شوم، خدعه، آسیب زبانی، قلبی و چشمی و هر نیروی آنها به خدا پناه برده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَادْحَرْ عَنِّي مَكْرَهُهُ، وَ
ادْرَأْ عَنِّي شَرَّهُ، وَرَدِّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ. وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سُدًّا حَتَّى تُعْمِيَ عَنِّي بَصَرَهُ،

۳۳. همان، ص ۱۱۴.

۳۴. برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: الصحیفه السجادیة، ص ۵۰ و ۲۱۸ و ۹۵ و ۱۱۴.

وَ تُصِمَّ عَنْ ذِكْرِي سَمْعُهُ، وَ تُفْقِلَ دُونَ إِخْطَارِي قَلْبُهُ، وَ تُخْرِسَ عَنِّي لِسَانُهُ، وَ تَقْمَعَ رَأْسُهُ، وَ تُدَلِّ عِزَّهُ، وَ تَكْسِرَ جَبْرُوتَهُ، وَ تُدَلِّ رَفِيقَتَهُ، وَ تَفْسَخَ كِبْرَهُ، وَ تُؤْمِنَنِي مِنْ جَمِيعِ صَرِّهِ وَ سَرِّهِ وَ عَمَزِهِ وَ هَمَزِهِ وَ لَمَزِهِ وَ حَسَدِهِ وَ عَدَاوَتِهِ وَ حَبَائِلِهِ وَ مَصَائِدِهِ وَ رَجَلِهِ وَ خَيْلِهِ.^{۳۵}

بارخدايا! بر محمد و خاندان او درود بفرست و هرکس را که با نیتی پلید آهنگ من کند، از من بازگردان و مکر او از من دور دار و آسایش از من دفع فرما و نیرنگش را بر سر او زن. بار خدایا، در برابر او سدی برآر تا دیده‌اش از دیدن من نابینا گردد و گوشش از آنچه درباره من گویند ناشنوا؛ و در قلب او را قفل بر نه که یاد من بدان درنیاید؛ و زبانش را از بردن نام من لال کن و سرش فروکوب و عزتش را به ذلت آور و باد غرور از سرش بیرون بر و مرا از همه زبان‌های او، بدی‌های او، غمازی او، غیبت کردن او، عیب‌جویی او، رشک بردن او، عداوت او، بندها و دام‌های او و پیادگان و سواران او در امان دار.

امام زین‌العابدین علیه السلام با اشاره به عناد برخی، از خداوند می‌خواهد تا بندگان همیشه در پناه و حفظ بوده و با عنایت او، از بدخواهی و گزند خصم به دور باشند.

وَ اجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَتِي مُحْفُوظًا مَكْلُوءًا مُسْتَوْرًا مَمْنُوعًا مَعَاذًا مُجَارًا.^{۳۶}

چنان کن که در هر حالت که هستم، در حفظ تو باشم و در حراست تو باشم و مستور از چشم بدخواهان باشم و دور از تطاول دشمنان باشم و در پناه تو باشم و در زینهار تو باشم.

امام از خداوند می‌خواهد تا معاندان را بر مسلمانان مسلط ننماید. تسلط دشمن بر افراد موجب محدود شدن اختیارات و همچنین به وجود آمدن مانع در پیشرفت و رشد جامعه است. در جوامع انسانی کشورهایی که مستعمره دیگران هستند، هم از نظر مادی و هم معنوی دچار فقر و ضعف هستند.

وَ لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي، وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ.^{۳۷}

و مرا دشمن کام مگردان و خصم مرا بر گردن من سوار مکن و بر من مسلطش منما.

۳۵. الصحیفة السجادیة، ص ۱۱۴.

۳۶. همان، ص ۱۰۸.

۳۷. همان، ص ۲۳۸.

دشمنی که قدرتمند گشته، می‌تواند به جان، مال و ناموس مؤمنان تجاوز کرده و جامعه را به مرز نابودی بکشاند. امام سجاده علیه السلام به تصویر سهمگین خصم اشاره کرده^{۳۸} و از خداوند می‌خواهد تا بین بندگان و دشمن حائلی قرار دهد تا از شرش در امان باشند.^{۳۹}

صحیفه سجادیه یکی از فعالیت‌های دشمن در جهت تخریب بندگان را سرزنش می‌داند.^{۴۰} انسان‌ها باید از ملامتی که به نوعی اذیت است و در جهت اصلاح نیست، به خداوند پناه ببرند.^{۴۱} امام چهارم علیه السلام همچنین از خداوند می‌خواهد تا دشمنی خصم را به منفعت برای بندگان تبدیل کرده و ابزارهای مقابله با آنان را به افراد عطا نماید.^{۴۲}

«دشمنان» جامعه اسلامی یکی دیگر از موانع پیشرفت افراد مؤمن هستند. این سودجویان با عداوت خود مانع از رشد معنوی و به‌خصوص رشد مادی بندگان می‌شوند. امام سجاده علیه السلام با بیان دشمنی‌های آنها از خداوند خواستار پناه و حفظ است. ایشان قدرت برخی معاندان را ترسیم و به غیر قابل اعتماد بودن آنها اشاره کرده است.^{۴۳}

۴. ظلم

«ظلم» یکی دیگر از موانع پیشرفت مادی است. ستم در اسلام معنای وسیعی دارد که شامل ظلم انسان به خودش با گناه و معصیت، به پروردگار با شرک و کفر و به مردم با تجاوز و عدوان است. اسلام هر نوع تعدی را به هرکس نهی کرده است. بندگان باید مواظب باشند تا ظلمی روا نساخته، به جفا راضی نشده، به ستمگری کمک نکرده و ستم را با قلب، زبان و دست، انکار و از خود دور سازند.^{۴۴}

برخی روایت به زشتی ستم‌گری زبان گشوده‌اند.^{۴۵} جامعه‌ای که در آن ظلم فراگیر باشد، نمی‌تواند به رشد و تکامل واقعی دست یابد. در این جامعه افرادی به ناحق، دارای اموال و حقوق نابجا شده و

۳۸. ن. کذ همان، ص ۲۴۲.

۳۹. ن. کذ همان، ص ۲۲۶.

۴۰. وَ لَا تُسْمِتْ بِيْ عَدُوِّي. (الصحيفة السجادية، ص ۲۳۸) وَ أَعِزِّي مِنْ سَمَاتَةِ الْأَغْدَاءِ. (الصحيفة السجادية، ص ۲۲۸)

۴۱. ن. کذ همان، ص ۵۶.

۴۲. ن. کذ همان، ص ۹۴.

۴۳. برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: الصحيفة السجادية، ص ۱۱۰ و ۹۴ و ۱۰۸ و ۲۴۲ و ۹۴ و ۱۸۸ و ۱۰۶.

۴۴. ن. کذ آفاق الروح، ج ۱، ص ۳۳۳.

۴۵. از امام صادق علیه السلام نقل شده که از ظلم کردن بپرهیزید که دعای مظلوم به آسمان می‌رسد و در حدیثی دیگر می‌فرماید: کسی که ظلمی نماید، خداوند مظلوم را بر او مسلط خواهد نمود. (ن. کذ ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۳، ص ۴۱)

برخی نیز از حقوق اولیه خود محروم می‌گردند. در چنین شرایطی افراد به‌جای برنامه‌ریزی در رشد خویشتن و دیگران، به دنبال ستمگری و چپاول حقوق یکدیگر رفته و جامعه را به نابودی می‌کشانند.

امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه به موضوع جور و جفا^{۴۶} اشاره کرده است و از آن به خداوند پناه می‌برد:

أَوْ أَنْ تَعُضِدَ ظَالِمًا، أَوْ تَخَذُلَ مُلْهُوْفًا، أَوْ تَرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقٍّ، أَوْ تَقُولَ فِي الْعِلْمِ
بِغَيْرِ عِلْمٍ.^{۴۷}

بارخدا! به تو پناه می‌برم از اینکه ستمگری را یاری کنیم، یا ستمدیده‌ای را خوار بداریم، یا قصد چیزی کنیم که ما را در آن حقی نباشد، یا از روی بی‌دانشی سخن در دانش گوئیم.

ستم فقط بر پایمال کردن علنی حق افراد صدق نکرده و حوزه آن فراتر است. یاری ستمگر، خوار کردن ستمدیده، مصادره چیزی که حق فرد نیست و همچنین نظر دادن در امری که تخصص فرد نبوده و منجر به حکمی اشتباه درباره دیگران شود، از مصادیق ظلم هستند. امام زین‌العابدین علیه السلام از خداوند می‌خواهد همان‌گونه که هر انسانی به دنبال دور کردن سایه تعدی از خود است، توفیق پیدا کند تا به دیگران نیز ستم روا ندارد:

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فِقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ.^{۴۸}

ای خداوند! آن‌سان که در دل من ستمدیدی را نکوهیده داشته‌ای مرا نیز توفیق ده که به کس ستم نکنم.

یکی از موارد لازم در مواجهه با بیدادگری، یاری‌رساندن به مظلوم است. افراد باید هنگام مشاهده ظلم، به یاری مظلوم شتافته و فردی بی‌تفاوت یا ستمگر نباشند.^{۴۹} امام چهارم علیه السلام اشاره می‌کند در صورتی که انسان (با وجود توانایی) به مظلومی کمک ننماید، توبه کرده و از خداوند عذرخواهی نماید!^{۵۰}

«ظلم» موضوعی است که در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده و به‌عنوان مانع پیشرفت جامعه و افراد در حیطه مادی برشمرده می‌شود. امام سجاده علیه السلام از تعدی در حق بندگان به خداوند پناه برده

۴۶. دعای چهاردهم در مورد سختی‌هایی است که از ظالمان به مؤمنان رسیده است.

۴۷. الصحیفه السجادیة، ص ۵۶.

۴۸. همان، ص ۷۴.

۴۹. ن. کنه همان، ص ۵۰.

۵۰. ن. کنه همان، ص ۱۶۶.

است. کمک به ستمگر و خوار کردن و یاری نرساندن به ستمدیده نیز از دیگر مصادیق ستم در صحیفه سجادیه است. امام زین‌العابدین علیه السلام درخواست محفوظ ماندن از ظالمان را نیز از خداوند دارد.^{۵۱}

۵. ترس

«ترس» موضوعی است که به‌عنوان مانع در پیشرفت مادی انسان‌ها به‌شمار می‌آید. خوف^{۵۲} در فرهنگ اسلامی دو نوع کاربرد داشته و به ترس مطلوب و نامطلوب تقسیم می‌شود. نوع اول آن در برابر عذاب پروردگار بوده و به‌عنوان هراس مثبت تلقی می‌شود. دعای پنجاهم صحیفه سجادیه در مورد ترس از خداوند است؛ اما در همین کتاب، خوفی که از غیر خدا باشد ناپسند شمرده شده و نشانه ترسو بودن فرد است. اهل‌بیت علیهم السلام کسی را که ترسو است مؤمن خطاب نمی‌کنند.^{۵۳}

وحشت از غیر خدا موجب توقف انسان در مسیر پیشرفت است. برای نمونه، کسی که از دشمنی می‌هراسد، نمی‌تواند در زندگی خود تحولی ایجاد کرده و باید همیشه با احتیاط و آرام قدم بردارد. این شخص جرأت ورود به کارهای مهم را پیدا نمی‌کند و از انجام آنها هراس دارد، لذا پیشرفت نکرده و قدمی در راه ترقی خود برنمی‌دارد. همچنین انسان ترسو غالباً از انجام اعمال نیک و مثبت هراس دارد و دچار نوعی مخفی‌کاری و نفاق می‌شود. این افراد در هنگام نیاز، شجاعت لازم برای انجام کارهای بزرگ را ندارند. این آثار می‌تواند موجب رکود زندگی افراد و جامعه گردد. امام سجادی علیه السلام از معبودش می‌خواهد با قدرت خویش چنین ترسی را به حس امنیت تبدیل نماید:

أَمِنْ خَوْفِ نَفْسِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^{۵۴}

مرا از ترس ایمن گردان که تو بر هر چیزی توانایی.

هراس از هر موجودی نامطلوب است و انسان حتی در برابر دشمن نیز نباید ترسی از خود بروز دهد؛ لذا باید از خدا بخواهد تا او را از هرچه مایه خوف است، محفوظ گرداند:

۵۱. برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: الصحیفه السجادیة، ص ۴۲ و ۱۸۸.

۵۲. در قرآن، چند واژه معادل مفهومی ترس شناخته شده‌اند که عام‌ترین این واژگان «خوف» است. «خشیت»، «وجلة»، «رهبة»، «روع»، «رعب»، «فزع» و «اشفاق» از واژه‌هایی است که معنایی قریب به خوف داشته و غالباً ترس معنا شده‌اند. هراس از فقر، مرگ و طاغوت از مهم‌ترین ترس‌های ضد ارزشی در قرآن می‌باشند. اقدام به جنایت، پذیرش ولایت شیطان، عدم انفاق و اعراض از جهاد در راه خدا، تزلزل و دوستی با شیطان و خروج از حالت تعادل، برخی از پیامدهای وحشت در قرآن هستند. (ن. که «واکاوی مفهوم «ترس» با تکیه بر نوع ضد ارزشی آن در قرآن»، معرفت اخلاقیة ش ۱۳)

۵۳. وَ لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا؛ مؤمن ترسو نیست. (الخصال، ج ۱، ص ۸۳)

۵۴. الصحیفه السجادیة، ص ۶۸.

وَ أَجْرُنِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا أَزْهَبُ.^{۵۵}

و از هرچه بیمناکم به عزت خویش پناه ده.

افراد باید از پروردگار درخواست داشته باشند تا بیمناکی را به امنیت تبدیل نموده^{۵۶} تا چنانچه از هرچه مانند تنهایی می هراسند، با بخشش و اتصال به او از این حس وحشت‌بار رهایی یابند:

اَكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَاتِكَ حَتَّى لَا تَرْعَبَ إِلَى أَحَدٍ مَعَ بَدْلِكَ، وَ لَا تَسْتَوْحِشَ مِنْ أَحَدٍ مَعَ فَضْلِكَ.^{۵۷}

به پیوند خویش وحشت تنهایی از ما دور بدار تا به بخشش تو به کس جز تو نگراییم و در پناه جود و احسان تو از کس نهراسیم.

«ترس» از موانع پیشرفت مادی انسان در زندگی است. گزاره‌های صحیفه سجادیه در این موضوع به دو نوع مطلوب و نامطلوب قابل تقسیم است. ترس از پروردگار از بهترین حالات و به معنای هراس از عذاب الهی به خاطر انجام گناهان است. نکته قابل توجه این است که چنین خوفی نباید به ناامیدی انسان منجر شود. وحشتی که در منظر صحیفه سجادیه نامطلوب شمرده شده، هراس داشتن از هر چیز جز خداوند است. چنین خوفی موجب توقف در مسیر پیشرفت می‌شود و امام زین العابدین علیه السلام از آن به آفریدگار پناه می‌برند.^{۵۸}

۶. ناسپاسی

«شکر» به معنای مدح و ستایش احسان‌کننده (به خاطر نیکوکاری اش) است. بشر در زندگی خود با دو نوع شکر مواجه است؛ سپاس از خداوند به خاطر مواهبی که عطا کرده و شکر مخلوقات برای احسان نعمت‌های الهی. سپاس‌گزاری کردن از خدا و مخلوقات در پیشرفت افراد مؤثر بوده و در مقابل اهمیت ندادن به آن موجب رکود انسان در زندگی مادی است. همان‌گونه که شکر موجب مضاعف شدن نعمت است، «ناسپاسی» در مقابل خدا و سایر احسان‌کنندگان، موجب محرومیت انسان از نعمت‌های جدید شده و در ادامه به تبعاتی همچون خواری، قحطی، محرومیت از رحمت و حیوانی شدن زندگی می‌انجامد.

۵۵. همان، ص ۱۰۰.

۵۶. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَبْدِلْنِي ... مِنْ مَرَاةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ خَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ. بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش و بدل بفرما ... تلخی بیم از ستمکاران را به شیرینی ایمنی از تجاوز ایشان. (الصحيفة السجادية، ص ۹۴)

۵۷. همان، ص ۴۶.

۵۸. برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: الصحيفة السجادية، ص ۲۶۲ و ۱۲۲.

امام سجاده علیه السلام به لزوم امتنان در برابر کسی که به انسان نیکی کرده اشاره نموده و از ناسپاسی به خدا پناه می‌برد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنِ اصْطَنَّعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا.^{۵۹}

بارخدا! از ناسپاسی در حق کسی که به ما نیکی کرده است، به تو پناه می‌برم. شکرگزاری دائمی موجب سعادت افراد خواهد شد.^{۶۰} اگر فرد مرتکب غفلت در شکر شود؛ باید از احسان‌کننده و همچنین از خداوند طلب عذر نماید.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ ... مِنْ مَعْرُوفٍ أُسْدِي إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ.^{۶۱}

بارخدا! از درگاه تو پوزش می‌طلبم اگر کسی در حق من نیکی ای کرده و من سپاسش نگفته باشم.

واژه «الاسداء» به معنای احسان و نیکوکاری است.^{۶۲} در زندگی بارها اتفاق می‌افتد که فرد به خاطر فراموشی، در جای خود به شکرگزاری نمی‌پردازد. انسان باید سعی نماید به درجه‌ای برسد که از نسیان در چنین عملی نیز محفوظ باشد.

لَا تَجْعَلْنِي نَاسِيًا لِذِكْرِكَ فِيمَا أَوْلَيْتَنِي، وَ لَا غَافِلًا لِإِحْسَانِكَ فِيمَا أَبْلَيْتَنِي.^{۶۳}

چنان مکن که سپاس‌گزاری در برابر نعمتت را فراموش کنم، یا از ذکر احسان و بخشش تو غافل شوم.

نعمت‌های الهی بسیار فراوان بوده و افراد باید در حد امکان به سپاس خداوند بپردازند. امام زین‌العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه خدا را بر آموزش شکرگزاری خود، حمد می‌نماید:

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَهْمْنَا مِنْ شُكْرِهِ.^{۶۴}

حمد و سپاس خداوندی را که خود را به ما شناسانید و شیوه سپاس‌گزاری‌اش را به ما الهام کرد.

امام سجاده علیه السلام خداوند را به خاطر آشنایی بندگان به شکرش ستایش کرده و بیان می‌کند که با سپاس‌گزاری از خداوند، پاداشی معادل عمل نیکوکاران به افراد داده می‌شود.^{۶۵} سپاس‌گزاری از

۵۹. همان، ص ۵۶.

۶۰. ن. کد همان، ص ۵۲.

۶۱. الصحیفه السجادية، ص ۱۶۶.

۶۲. ن. کد شرح الصحیفه السجادية (سیدمحمد شیرازی)، ص ۳۰۰.

۶۳. الصحیفه السجادية، ص ۱۰۴.

۶۴. همان، ص ۳۰.

۶۵. تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَ أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ. (الصحیفه السجادية، ص ۱۹۲؛ ن. کد همان، ص ۱۸۶)

خداوند خود توفیقی است که نیاز به شناخت و معرفت داشته و نصیب هر کس نمی‌شود.^{۶۶} ایشان اشاره می‌کند که اگر خداوند شناخت حمد خود را از مردم پنهان می‌داشت، کسی به چنین معرفتی دست پیدا نمی‌کرد و لب به شکر نمی‌گشود.^{۶۷}

«ناسپاسی» موجب کاستی نعمت و مانع پیشرفت مادی افراد است. در صحیفه سجادیه از خداوند، جبران لطف محسنان خواسته شده است. شکر از خداوند نوع دیگر قدرشناسی است که امام سجاده علیه السلام بر آن تأکید دارد. امام زین العابدین علیه السلام نه تنها به آموزش این موضوع پرداخته، بلکه در دعاهای زیادی به صورت عملی، شکر و حمد خداوند را به جای آورده است.^{۶۸}

۷. فقر

«فقر» از مهم‌ترین موانع پیشرفت انسان و جامعه در عرصه مادیات است. فقر، تهیدستی یا تنگدستی به معنای وضعیتی است که فرد فاقد میزان معینی از دارایی‌های مادی است. فقر تأثیر فراوانی در افراد داشته و می‌تواند موجب افسردگی، کم‌اهمیتی به آموزش و پرورش، اختلاف طبقاتی، گسترش گناه و اعتیاد و همچنین بالا رفتن سن ازدواج گردد. به همین دلیل، این مبحث در واقع علاوه بر کند کردن رشد فردی، موجب توقف رشد جامعه نیز می‌شود.

امام سجاده علیه السلام از نیازمندی در معیشت روزانه و سختی در یافتن آن به خداوند پناه برده است:^{۶۹}

وَعُوذُ بِكَ ... مِنَ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَ مِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ. ۷۰
به تو پناه می‌بریم از نیازمند شدن به اقربان و از تنگنای معیشت و از مردن بی‌آنکه ساز رفتن مهیا کرده باشیم.

«الاکفاء» جمع «الکفو» و به معنای مانند و نظیر است.^{۷۱} در این فراز امام چهارم علیه السلام از پروردگار می‌خواهند که انسان حتی محتاج افراد هم‌رتبه خود در زندگی و چه پس از مرگ نگردد. امام سجاده علیه السلام در فرازی دیگر، از بی‌نوایی به خداوند پناه می‌برد:

۶۶. ن. کذ همان، ص ۱۹۶.

۶۷. ن. کذ همان، ص ۲۸.

۶۸. برای مطالعه بیشتر در موضوع سپاس‌گزاری به دعای اول صحیفه سجادیه رجوع نمایید؛ و همچنین ن. کذ الصحیفه السجادیة، ص ۱۸۴ و ۵۰ و ۱۲۹ و ۲۵۳ و ۱۱۰ و ۲۵۲ و ۱۶۲ و ۳۰.

۶۹. دعای بیست و نهم صحیفه سجادیه در مورد «دعا هنگام تنگ شدن رزق» است.

۷۰. الصحیفه السجادیة، ص ۵۶.

۷۱. ن. کذ ریاض العابدین، ص ۴۳۰.

وَنُعُوذُ بِكَ مِنْ ... فَقَدَانِ الْكَفَافِ.^{۷۳}

بارخدا یا! از بینوایی به تو پناه می‌بریم.

امام سجاده علیه السلام با اشاره به سختی چنین وضعیتی در خانه و جامعه، از خداوند درخواست دارد تا روزی انسان را در دستان سایر افراد قرار ندهد و خود شخص را مورد عنایت و نعمت قرار دهد:

اللَّهُمَّ لَا طَاقَةَ لِي بِالْجُهْدِ، وَلَا صَبْرَ لِي عَلَى الْبَلَاءِ، وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى الْفَقْرِ، فَلَا تَحْطُرْ

عَلَى رِزْقِي، وَلَا تَكْلُنِي إِلَى خَلْقِكَ، بَلْ تَفَرِّدْ بِحَاجَتِي، وَتَوَلَّ كَفَاتِي.^{۷۴}

بارخدا یا! مرا طاقت رنج نیست و مرا یاری شکیبایی در بلا نیست و مرا توان درویشی نیست. پس روزی من از من دریغ مدار و مرا به دیگر آفریدگانت وامگذار و تو خود نیاز من برآر و تو خود کفاف من بر عهده دار.

گاهی برخی چنان وقف درآمدزایی و به‌دست آوردن مادیات می‌شوند که برای به‌دست آوردن روزی بیشتر، خود را به هر سختی می‌اندازند. اینها گویا خداوند را در زندگی فراموش کرده و به او ایمان واقعی ندارند.^{۷۴}

«فقر» یکی از موضوعات مهم در مباحث اقتصادی است که به‌عنوان مانعی در پیشرفت مادی افراد تأثیرگذار بوده، در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده است. امام سجاده علیه السلام از فقر و نیازمندی انسان‌ها به پروردگار پناه برده‌اند. ایشان درخواست روزی راحت و بدون تکلف را برای همه بندگان دارد و فعالیت خارج از توان افراد برای جمع‌آوری مادیات را امری ناپسند توصیف نموده است.^{۷۵}

۸. اندوه قرض

یکی از دعاهای صحیفه سجادیه در موضوع «ادای دین و قرض» است.^{۷۶} قرض دادن امر پسندیده‌ای است که موجب رونق و پیشرفت اقتصاد خواهد شد. خداوند متعال قرض را وسیله‌ای برای جبران کمبودهای زندگی معرفی کرده است. اگر زندگی انسان در خطر بوده و نتواند هزینه‌ی واجب زندگی را تأمین کند، واجب است قرض نماید.^{۷۷}

۷۲. الصحیفة السجادیة، ص ۵۶.

۷۳. همان، ص ۱۰۸؛ ن. کد همان ص ۴۶.

۷۴. ن. کد همان، ص ۱۳۶.

۷۵. برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به الصحیفة السجادیة، ص ۱۰۰ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۵۲ و ۹۸ و ۲۴۶ و ۲۲۶ و ۱۳۶ و ۷۰.

۷۶. دعای سی‌ام در یاری خواستن بر ادای وام است.

۷۷. ن. کد شرحی بر دعاهای صحیفه سجادیه، شهود و شناخت، ج ۲، ص ۵۴۵.

برخی روایات، اجر وام‌دهنده را دو برابر کسی شمرده‌اند که مالی را در راه خدا انفاق نماید؛ زیرا قرض کننده مستمند نیست، اما ضرورت شدید زندگی وی را به وام مبتلا ساخته است و لذا آثار نافع قرض در جامعه بیشتر از آثار انفاق است.^{۷۸}

برخی قرض گرفتن در حالی که فرد قادر به ادای آن نباشد را حرام و برخی مکروه دانسته‌اند.^{۷۹} مدیون بودن مشکلاتی را در زندگی انسان‌ها دچار می‌کند. فرد مقروض درگیری فکری شبانه‌روزی دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاترین اندوه را غم قرض و امام صادق علیه السلام نیز آن را موجب خواری افراد می‌داند.^{۸۰}

این موضوع با عنوان «کمک خواستن برای ادای وام» در دعای سیم صحیفه سجادیه نیز منعکس شده است. امام سجاده علیه السلام از خدا می‌خواهد تا فرد مبتلا به قرضی نگردد که نتواند آن را بپردازد و بدین‌وسیله شخصیتش خدشه‌دار گردیده و ذهن، فکر او درگیر هم‌وغم شود. از این‌رو، فرموده‌های حضرت در صحیفه سجادیه دلیل بر ناپسندی وام نیست.^{۸۱}

این اضطراب ذهنی که فرد بدهکار برای باز پس دادن بدهی خود دارد، از موانع پیشرفت مادی انسان است. امام سجاده علیه السلام در دعای سی‌ام از بدهکاری که موجب ناراحتی و درگیری ذهنی باشد به خدا پناه برده‌اند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِي، وَ يَحَارَ فِيهِ
ذَهْنِي، وَ يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِي، وَ يَطُولُ بِمَمَارَسَتِهِ شُعْلِي.^{۸۲}

بارخدایا! درود بفرست بر محمد و خاندان او مرا عافیت بخش از وامی که بدان چهره‌ام
دژم شود و خاطرم پریشان گردد و فکرم پراکنده ماند و تلاش من در ادای آن به درازا
کشد.

۷۸. همان.

۷۹. ن. کذ شرح صحیفه سجادیه، (محمدعلی مدرسی چهاردهی)، ج ۲، ص ۱۴.

۸۰. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «لا هم الا هم الدين»، في التعبير عن الوضع النفسي على مستوى ما يعانیه المدین من الهم؛ و قد جاء عنه في رواية الامام الصادق علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الدين ربقه الله في الارض، فاذا اراد الله ان يذل عبدا وضعه في عنقه» و جاء الحديث عن علي علیه السلام، في رواية الامام الصادق علیه السلام عنه قال: «قال علي علیه السلام: اياكم و الدين فانه مذل بالنهاري و مهمه بالليل و قضاء في الدنيا و قضاء في الآخرة». (أفاق الروح، ج ۲، ص ۹۲)

۸۱. ن. کذ همان.

با توجه به نکات گفته شده، امام سجاده علیه السلام از قرضی به خدا پناه برده و دوری و عافیت از آن را درخواست نموده که بر اساس روایت، «هم بالليل و ذل بالنهاري» مایه دل مشغولی شب و خواری روز باشد. (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۸۲)

۸۲. الصحیفه السجادية، ص ۱۳۶-۱۳۸.

آشناگی ذهنی می‌تواند بشر را به خود مشغول کرده و از سایر فعالیت‌ها باز دارد. قرآن کریم به موضوع کاهش دغدغه در معاملات توجه داشته و مکتوب کردن و شهادت گرفتن را برای کم کردن این پریشانی می‌داند.^{۸۳} وجود چنین راه‌حلی در قرآن مجید و صحیفه سجادیه، به معنای از بین رفتن تمامی اثرات قرض نیست و افراد باید سعی کنند تا حد امکان از قرض نابجا، دور باشند.

وَاعُوذُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَفِكْرِهِ، وَشُغْلِ الدَّيْنِ وَسَهْرِه فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ، وَاعْزِنِي مِنْهُ.^{۸۴}

خداوند! به تو پناه می‌آورم از اندوه و آمداری و اندیشه آن و دل‌مشغولی برای آن و بی‌خوابی کشیدن در غم آن. پس درود بفرست بر محمد و خاندانش و مرا از (دل‌مشغولی) وام در پناه خوددار.

دلیلی که امام سجاده علیه السلام برای رهایی از این موضوع تبیین می‌کند بسیار جالب است. ایشان سه نوع تبعات برای وام‌گیرنده متذکر می‌شود. اولین نتیجه دغدغه فکری است که به تفصیل تبیین گردید. درجه دوم ذلت و خواری است که شاید همراه با قرض گرفتن در دنیا همراه گردد. نتیجه سوم نیز که شاید گریبان‌گیر برخی گردد، ناتوانی در پرداخت دین و برگردن ماندن چنین حقی در سرای آخرت است:

فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْزِنِي مِنْهُ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ، يَا رَبِّ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ، وَ
مِنْ تَبَعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْرِنِي مِنْهُ بِوَسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ
وَاصِلٍ.^{۸۵}

ای پروردگار من! از تو زنهار می‌خواهم از ذلت و آمداری در این جهان و از تبعات و عواقب آن پس از مرگ. پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا در امان خود گیر، یا به مالی سرشار یا به کفافی ناگستنی.

قرض حقی است که تا پرداخت کامل آن بر عهده انسان جاری است؛ لذا قرآن کریم به شدت از خیانت در چنین امانتی نهی می‌کند.^{۸۶} امام زین‌العابدین علیه السلام نیز از خداوند می‌خواهد تا هیچ حقی از سایر افراد بر گردن انسان باقی نماند. این حق شامل حقوق مادی و هم معنوی است.

۸۳. ن. کد سوره بقره، آیه ۲۸۲.

۸۴. الصحیفه السجادیة، ص ۱۳۸.

۸۵. همان، ص ۱۳۶.

۸۶. «رِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِنَ أَمْنَتَهُ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ... وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ.» (سوره بقره، آیه ۲ و آیه ۲۸۳)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ ... ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤِثِّرْهُ، وَمِنْ حَقِّ ذِي حَقِّ لَزِمَنِي
لُؤْمِنٍ فَلَمْ أُؤَفِّرْهُ.^{۸۷}

بارخدايا! از درگاه تو پوزش می‌طلبم اگر بینوایی از من چیزی طلبیده و من بر او ایثار نکرده باشم، اگر مؤمنی را بر من حقی بوده و من به‌تمامی ادایش نکرده باشم. با توجه به معارف اسلامی چنین نتیجه گرفته می‌شود که «قرض» در صورت لزوم، امری مستحب و گاه واجب است. مانع برای پیشرفت مادی جامعه در کلام امام سجاده علیه السلام، موضوع وام نبوده، بلکه اندوه و اضطراب آن است. در صحیفه سجادیه، برای قرض، تبعاتی مانند دغدغه فکری در جهت بازپرداخت، سختی و نامطلوبی گرفتن وام از دیگران و احتمال ناتوانی در بازپرداخت ذکر شده است.

۹. آرزوهای بلند

واژه «امل» به‌معنای آرزو بوده و درجایی کاربرد دارد که امید شخص به حصول کاری دور از ذهن باشد.^{۸۸} در گزاره‌های صحیفه سجادیه واژه «امل» به‌تنهایی کاربرد نداشته و «طول امل» به‌معنای «چشم‌داشت طولانی» و بی‌فایده، مذموم معرفی شده است.

همان‌طور که امید به آینده و برنامه‌ریزی برای آن می‌تواند موجب رشد شود، آرزوی طولانی نیز می‌تواند جلوی پیشرفت مادی را بگیرد. اشتغال به آرزوهای واهی و غفلت از سایر امور، کم‌کاری و زیان اخروی و معنوی، انگیزه داشتن جهت فریب خوردن و محرومیت از هدایت، از مواردی هستند که افراد با آرزوی طولانی موجبات توقف رشد خویش را در این زمینه‌ها فراهم می‌آورند.

باید توجه داشت که هیچ‌حیاتی بدون عمل و هیچ‌عملی بدون آرزو تحقق پیدا نمی‌کند. آرمانی که در راستای انجام عمل صالح باشد، فضیلت و خیر است. به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آرزو را رحمت دانسته‌اند. امام چهارم علیه السلام نیز از خداوند برآورده شدن آرمان‌ها را طلب کرده است.^{۸۹} باید دانست که اگر تمایلات انسان به‌حق بوده و به همراه امید به رحمت خداوند باشد، مطالبات او به‌زودی تحقق پیدا خواهد کرد.

۸۷ الصحیفة السجادیة، ص ۱۶۶.

۸۸ ن. کنه تاج العروس، ج ۱۴، ص ۳۰.

۸۹ فَصَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِهِ، وَ هَبَّ لِي أَمَلِي، وَ زِدَنِي مِنْ هَذَاكَ مَا أُصِلُّ بِهِ إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ، (الصحیفة السجادیة، ص ۱۶۶)

اللَّهُمَّ ... حَقَّقْ فِي رَجَائِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي.^{۹۰}

ای خداوند! آرزویم را با امید به رحمت خویش مقرون دار.
صحیفه سجادیه در مواردی به موضوع آرزوهای بلند اشاره کرده است. امام سجاده علیه السلام از درگیر شدن انسان با خواهش‌های طولانی به خداوند پناه برده است:

وَتَعُوذُ بِكَ أَنْ ... نُمَدَّ فِي آمَالِنَا.^{۹۱}

بارخدا! به تو پناه می‌بریم، از اینکه به آرزوهای دورودراز مبتلا گردیم.
امام سیدالعبیدین علیه السلام علاوه بر پناه بردن به خداوند از خواهش‌های طولانی، عمل صالح و راستین را باعث کوتاه شدن آرزو می‌داند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اَكْفِنَا طَوْلَ الْأَمَلِ، وَ قَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ.^{۹۲}

ای خداوند! بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از آرزوهای دورودراز در امان دار
و به صدق عمل آرزوهای ما تنگ میدان ساز.

آرزوی طولانی به معنای امید به تحقق قضیه‌ای در ماه و سال آتی نبوده و امام چهارم علیه السلام دایره
تمنای ناشایست را در حد چند ساعت، چند روز یا چند گام در آینده نیز می‌دانند.^{۹۳} وجود امید مثبت
و سازنده حتی برای مدت زمان طولانی، جزء چنین چشم‌داشت ناپسندی شمرده نمی‌شود. آنچه در
صحیفه سجادیه ناپسند بوده و مانع برای پیشرفت است، شوقی است دست‌نیافتنی یا به هم زنده
حق؛ حتی اگر چنین آرزوی برای لحظات آینده باشد.

امید به خیر، امری پسندیده است که صحیفه سجادیه درخواست برآورده شدن آن را از خداوند
دارد.

آرزوی طولانی موضوعی است که با امید فرق داشته و به معنای تمایلی دست‌نیافتنی و شوقی
است که بر هم زنده حق باشد. «طول امل» به معنای ناپسند بودن تحقق پدیده‌ای درازمدت نبوده
و حتی اگر در آینده نزدیک محقق شود، قبیح است. این موضوع یکی از موانع پیشرفت مادی انسان
شمرده می‌شود. صحیفه سجادیه از درگیر شدن افراد به «طول امل» به خداوند پناه برده است.^{۹۴}

۹۰. الصحیفة السجادیة، ص ۱۰۰.

۹۱. همان، ص ۵۶؛ ن. کذ همان، ص ۷۴.

۹۲. الصحیفة السجادیة، ص ۱۷۲.

۹۳. حَتَّى لَا تُؤْمَلَ اسْتِثْمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ، وَ لَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ، وَ لَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَ لَا لِحُقُوقِ قَدَمٍ بِقَدَمٍ. (الصحیفة السجادیة، ص ۱۷۲)

۹۴. برای اطلاع بیشتر از گزاره‌های مرتبط با موضوع «آرزوهای طولانی» در صحیفه سجادیه به صفحات ۲۳۰ و ۲۵۶ و ۲۴۲ و ۱۷۸ و ۱۹۸ و ۱۴۸ و ۱۳۶ و ۱۷۲ مراجعه نمایید.

۱۰. اسراف

«اسراف» به معنای تجاوز از هر فعلی بوده و^{۹۵} کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود، اسراف در روایات به شدت مورد نهی قرار گرفته و موجب از بین رفتن برکت از زندگی شناخته شده است.^{۹۶} مصرف‌گرایی، کم‌برکتی،^{۹۷} از بین رفتن نعمت،^{۹۸} ورشکستگی،^{۹۹} فقر،^{۱۰۰} نابودی امکانات^{۱۰۱} و هلاکت^{۱۰۲} از آثار اسراف هستند که موجب توقف رشد جامعه در عرصه مادی می‌گردند. چنین عملی در لسان صحیفه سجادیه نیز مذموم بوده، امام سجاده^{علیه السلام} از هرگونه اسراف به خداوند پناه برده است:

و نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ. ۱۰۳

بارخدا! به تو پناه می‌بریم از اسراف‌کاری.

امام سجاده^{علیه السلام} از خداوند درخواست می‌کند تا انسان‌ها را از چنین عملی بازدارد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْتَنِعْنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصِّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ. ۱۰۴

بارخدا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از اسراف‌کاری بازدار و روزی من از تلف و تباهی برهان.

انسان اگر به جای تبذیر، به بذل و بخشش اموال اضافه خود اقدام کند، بسیاری از مشکلات مادی جامعه برطرف و فقر ریشه‌کن می‌شود. امام زین‌العابدین^{علیه السلام} با درخواست از خدا برای دوری افراد از اسراف و زیاده‌روی، از او روحیه بخشش و میانه‌روی را طلب می‌کند:

۹۵. ن. کذ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۴۶۷.

۹۶. ن. کذ الکافی، ج ۴، ص ۵۵.

۹۷. ن. کذ همان.

۹۸. ن. کذ تحف العقول، ص ۴۰۳.

۹۹. ن. کذ همان.

۱۰۰. ن. کذ الکافی، ج ۴، ص ۵۳.

۱۰۱. ن. کذ غرر الحکم، ص ۵۳۶.

۱۰۲. ن. کذ سوره انبیاء، آیه ۲۱ و آیه ۹.

۱۰۳. الصحیفه السجادیة، ص ۵۶.

۱۰۴. همان، ص ۱۰۰.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْجِبْنِي عَنِ السَّرَفِ وَالْإِزْدِيَادِ، وَ قَوْمُنِي بِالْبَدَلِ وَ
 الْإِقْتِصَادِ، وَ عَلَّمْنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَ أَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْدِيرِ، وَ أَجْرِ مِنْ
 أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِي.^{۱۰۵}

بارخدایا! بر محمد و خاندان او درود بفرست و مرا از اسراف و زیاده‌روی دور بدار و به
 بخشش همراه با میانه‌روی از کج‌روی بازدار و به من بیاموز آن روش نیکو را که هزینه‌ام
 از درآمد بیش نبود و به لطف خویش از تبذیر نگه‌دار و روزی من از حلال روان گردان.
 ایشان از خداوند می‌خواهد تا بندگان را از غفلتی که اسراف‌کاران به آن دچار هستند بیدار سازد:

وَبَهِّنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَ سِنَّةِ الْمُسْرِفِينَ.^{۱۰۶}

ای خداوند! مرا از خواب غافلان و ناهشیاری اسراف‌کاران بیدار و آگاه ساز.
 «اسراف‌کاری» از موضوعاتی است که موجب کاهش رشد افراد در عرصه مادی است؛ به همین
 جهت امام زین‌العابدین علیه السلام از خداوند محفوظ بودن از چنین عملی را در خواست دارد. ایشان بندگان
 را به جای اسراف‌کاری و تلف نعمت‌ها به بخشش و بذل اموال خود تشویق کرده است.^{۱۰۷}

۱۱. حسد

حسد یکی از موانع پیشرفت مادی^{۱۰۸} و به معنای آرزوی سلب نعمت یا فضیلت از دیگران است.
^{۱۰۹} این خوی از صفات بسیار مذمومی است که دنیا و آخرت را تباه کرده و در احادیث به شدت تقیح
 شده است.^{۱۱۰}

برخی گناهان مانند سرقت ممکن است در کنار ضرر دینی، نفعی دنیوی برای انسان حاصل کند؛
 ولی در حسادت، علاوه بر خسران دینی هیچ نفع دنیوی حاصل نمی‌شود، بلکه ضررهای بسیاری مانند
 اندوه، عصبانیت، اضطراب و مریضی همیشگی^{۱۱۱} به دنبال دارد و باعث توقف رشد فرد حسود خواهد
 شد.^{۱۱۲}

۱۰۵. همان، ص ۱۳۸.

۱۰۶. همان، ص ۲۲۴.

۱۰۷. برای مطالعه بیشتر در این موضوع مراجعه کنید به: الصحیفة السجادیة، ص ۲۵۶ و ۵۶.

۱۰۸. این خلق بد مانع پیشرفت مادی و معنوی است ولی به دلیل نمود بیشتر آن در عرصه مادی در این بخش پرداخته شده است.

۱۰۹. ن. کنه لسان العرب، ج ۳، ص ۱۴۸.

۱۱۰. «ان الحسد لیاکل الايمان كما تاكل النار الحطب»؛ همان‌گونه که آتش هیزم را می‌سوزاند و از بین می‌برد، حسد هم ایمان
 را نابود می‌سازد. (ن. کنه الکافی، ج ۲، ص ۳۰۶؛ قرب الاسناد، ص ۲۹؛ مصباح الشریعه، ص ۲۰۵؛ تحف العقول، ص ۱۵۴؛ من
 لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۰۸)

۱۱۱. «الحسد یذیب الجسد»؛ رشک و حسادت آدمی را نابود می‌کند. (غرر الحکم، ص ۵۴؛ عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۳)

۱۱۲. ن. کنه آیینہ مکارم، ص ۲۰۹.

صحیفه سجادیه به این موضوع اهمیت داده و امام سجاده علیه السلام از معبودش می‌خواهد تا انسان‌ها را از چنین صفت مذمومی خلاصی دهد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّصْنِي مِنَ الْحَسَدِ. ۱۱۳

بارخدایا! بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا از حسد برهان.

حس حسادت دو نوع ضرر برای افراد دارد. کسانی که به رشک‌ورزی دچار هستند، به خود و بندگان ضرر می‌رسانند. چنانچه حسادت را در درون نگه دارند مانند تنوری شعله‌ور می‌سوزند و اگر این حس را در بیرون بروز دهند باعث ظلم و ستم خواهند شد. چنین افرادی در واقع نه تنها پیشرفت نمی‌کنند، بلکه نمی‌خواهند بگذارند تا دیگران نیز به رشد و تکامل برسند. امام سیدالعبادین علیه السلام حس این افراد را به تصویر کشیده است و ضرر آنان را گوشزد می‌کند:

وَ كَمْ مِنْ حَاسِدٍ قَدْ شَرِقَ بِي بَعْصَتِهِ، وَ سَجَى مِنِّي بَعْيْطِهِ، وَ سَلَقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَ
وَ حَرَنِي بِقَرَفِ عُيُوبِهِ، وَ جَعَلَ عَرَضِي عَرَضًا لِمَرَامِيهِ، وَ قَلَّدَنِي خِلَالَ لَمْ تَزَلْ فِيهِ، وَ
وَ حَرَنِي بِكَيْدِهِ، وَ قَصَدَنِي بِمَكِيدَتِهِ. ۱۱۴

ای خدای من! بسا حسود مردی که بر نعمت من رشک برد و غصه راه گلویش بگرفت و خشم چون استخوانی حلقومش بیازرد و با نیش زبان خود مرا آزار داد و به هر عیب که در خود داشت، مرا تهمت برنهاد و آبروی مرا آماج تیرهای بهتان خود ساخت و صفاتی را که خود بدان موصوف بود، بر من بست و به کید و نیرنگ خویش مرا خشمگین ساخت و با حربه مکر خود بر من حمله کرد.

فرد حسود به دنبال نابود کردن نعمت‌های دیگران است؛ در حالی که پروردگار فاضل است و به هر که بخواهد می‌بخشد. حسادت می‌تواند گناهی کلیدی باشد که قفل قتل، زخم‌زبان، تهمت، آبروریزی و فریب‌کاری را باز می‌کند.

انسان باید به مرتبه‌ای از ایمان برسد که به جای حسادت به افراد، از آفریدگار بخواهد بهترین نعمت‌ها را به ایشان عطا نماید. بندگان باید از او بخواهند دین و دنیای بابرکت، عاقبت‌به‌خیری، تقوا و سایر نعمت‌های مادی و معنوی را در زندگی‌شان جاری سازد. ۱۱۵

«حسادت» اخلاق ناپسندی است که موجب توقف انسان در عرصه پیشرفت و کمال بوده و در صحیفه سجادیه به آن اشاره فراوانی شده است. امام زین‌العابدین علیه السلام از اخلاق حسودانه و رشک

۱۱۳. الصحیفة السجادیة، ص ۱۰۸.

۱۱۴. همان، ص ۲۴۴.

۱۱۵. ن. که همان، ص ۱۱۰.

ورزیدن به خلق به خداوند پناه برده است. همچنین ایشان از رشک‌ورزی حسودان نسبت به خود، به پروردگار پناه برده و از معبودش درخواست دارد تا دشمنی و ضرر این افراد حسود را رفع نماید.^{۱۱۶}

۱۲. اخلاق ناپسند

«اخلاق ناپسند» یکی از موانع پیشرفت مادی^{۱۱۷} انسان‌هاست.^{۱۱۸} بدون حسن خلق، مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل حل نیست. مؤمن بدجنس در پیشگاه پروردگار موجودی بی‌ارزش و فرد خوش‌اخلاق از بهترین بندگان خداست. ایمان مؤمن، با حسن خلق قابل تقویت و با سوء خلق در معرض نابودی است.^{۱۱۹} بد اخلاقی باعث فساد عمل،^{۱۲۰} تنگ شدن روزی،^{۱۲۱} دشواری زندگی^{۱۲۲} و فشار قبر^{۱۲۳} شده و در واقع رشد فرد و جامعه را دچار تزلزل می‌کند.

صحیفه سجادیه در دعای هشتم، از این منش نکوهیده به آفریدگار پناه برده و در دعای بیستم با موضوع اخلاق نیک، معارف نابی را در این موضوع منعکس نموده است. چنین حکمت‌هایی منحصر در این دعا نبوده و امام سجاده علیه السلام در جای جای ادعیه از خداوند رفتار نیکو را درخواست دارد:

وَهَبْ لِي مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ.^{۱۲۴}

و از اخلاق متعالی بهره‌ورم دار.

۱۱۶. برای مطالعه بیشتر در موضوع «حسد» به الصحیفة السجادیة، ص ۸۰ و ۹۶ و ۱۱۴ و ۱۵۸ مراجعه فرمایید.

۱۱۷. اخلاق ناپسند مانعی است که در پیشرفت مادی و هم در پیشرفت معنوی انسان تاثیرگذار است، اما نمود و اثر آن بیشتر در زندگی مادی افراد جاری است. به‌عنوان مثال خلق‌های ناپسندی مثل حسد می‌تواند موجب تعدی به حقوق دیگران و شدت خشم موجب اذیت سایرین شود.

۱۱۸. نکته قابل توجه این است که عنوان «اخلاق ناپسند» برای تمامی منش‌هایی است که مبعوض خداوند است و چنین رویکردی در واقع موجب توقف رشد مادی و معنوی انسان می‌گردد. مواردی که جزء اخلاق ناپسند شمرده و در کتاب شریف صحیفه سجادیه ذکر شده، بسیار است. برخی از این موارد دارای تأکید و تکرار چندباره است. مواردی که در صحیفه سجادیه به آنها اهمیت داده شده و دارای گزاره‌های فراوان است، در قالب عنوانی مجزا ذکر شده است. به‌عنوان مثال، حسد یکی از موارد اخلاق ناپسند است ولی به‌دلیل تنوع گزاره‌ها، در قالب مانعی مستقل در عرصه مادی بیان شده است.

۱۱۹. ن. کد دیار عاشقان، ج ۴، ص ۲۴۵.

۱۲۰. ن. کد فرهنگ صفات، ص ۶۴۰.

۱۲۱. ن. کد غرر الحکم، ص ۲۶۴.

۱۲۲. ن. کد سوره حج، آیه ۱۱.

۱۲۳. ن. کد مکارم اخلاق، ص ۴۲۳.

۱۲۴. الصحیفة السجادیة، ص ۹۲.

«شکس» به معنای اخلاق بد و زشت است.^{۱۲۵} امام سیدالعبیدین علیه السلام از این نوع خلق و خو به پروردگار پناه برده است:

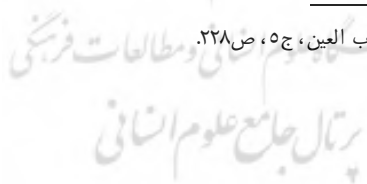
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَكَاةِ الْخَلْقِ. ۱۳۶

بار خدایا، به تو پناه می‌برم از بدی خلق و خوی.
امام سیدالعبیدین علیه السلام از خداوند می‌خواهد تا پوشاندن گناهان و نبردن آبروی افراد را، تلنگر و اندرزی در جهت اصلاح اخلاق بد انسان قرار دهد.

فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ، وَأَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ، وَاعْظَا لَنَا، وَزَاجِرًا عَنِ سُوءِ الْخُلُقِ. ۱۳۷

ای خداوند! چنان کن که هر عیب ما که پوشیده داشته‌ای و هر گناه که نهان کرده‌ای، ما را اندرز دهنده‌ای شود که از اخلاق بد بازمان دارد.
اذیت کردن دیگران،^{۱۲۸} ضایع کردن حقوق انسان‌ها،^{۱۲۹} ظلم، نپذیرفتن عذر دیگران، انفاق نکردن، آشکار کردن عیوب مؤمنان،^{۱۳۰} منت گذاشتن،^{۱۳۱} کینه و تنفر،^{۱۳۲} بدگویی و غیبت،^{۱۳۳} ریاکاری،^{۱۳۴} و داشتن شک به افراد^{۱۳۵} از مواردی است که جزو اخلاق ناپسند شمرده شده و در صحیفه سجادیه به آن اشاره شده است.

متأسفانه ارائه همه این حکمت‌ها در سیاهه حاضر نگنجدیده؛^{۱۳۶} لذا به خوانندگان محترم پیشنهاد می‌شود برای ارتقای سطح اخلاقی و زیبایی سیرت خود به این معارف مراجعه نمایند.^{۱۳۷}



۱۲۵. ن. کن لسان العرب، ج ۶، ص ۱۱۲؛ کتاب العین، ج ۵، ص ۲۲۸.
۱۲۶. الصحیفه السجادیة، ص ۵۶.
۱۲۷. همان، ص ۱۵۶.
۱۲۸. ن. کن همان، ص ۱۶۸.
۱۲۹. ن. کن همان، ص ۱۶۸.
۱۳۰. ن. کن همان، ص ۱۶۶.
۱۳۱. ن. کن همان، ص ۹۲.
۱۳۲. ن. کن همان، ص ۲۳۰ تا ۲۳۲.
۱۳۳. ن. کن همان، ص ۹۸.
۱۳۴. «تَمَّ خَلَصَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ، وَ سَمِعَةَ الْمُسْمِعِينَ، لَا نُشْرِكُ فِيهِ أَحَدًا ذُنُوكَ، وَ لَا نَبْتَعِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ». (الصحیفه السجادیة، ص ۱۸۸)
۱۳۵. أَزَلَّ عَنِّي كُلُّ شَكٍّ وَ شُبُهَةٍ. (الصحیفه السجادیة، ص ۲۳۲)

۱۳۶. موضوعاتی مانند هیجان حرص، شدت خشم، غلبه حسد، ضعف در صبر و... نیز در این کتاب شریف ذکر شده‌اند.
۱۳۷. امام سجاده علیه السلام اخلاقی بسیار زیبا را از خداوند برای همگان آرزو نموده است. برای آشنایی بیشتر یکی از فراهای این موضوع ذکر می‌گردد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ خَلِّئِي بِحُلِيِّهِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَطْمِ

صحیفه سجادیه از هرگونه «منش ناپسند» به خداوند پناه برده و برای برخورداری از اخلاق متعالی دعا فرموده است. امام سجاده علیه السلام به بسیاری از خصلت‌های ناشایست اشاره فرموده و از آنها بیزاری جسته است. صحیفه مملو از معارفی است که برای بالا بردن سطح اخلاق فردی و عمومی کاربرد دارد. خصوصیتی که به‌عنوان الگو برای افراد به تصویر کشیده شده است موجب پیشرفت انسان خواهد شد.

نتیجه

صحیفه سجادیه علاوه بر تلاش برای ارتقا سطح معنوی افراد به برخی مباحث اقتصادی نیز پرداخته است. موضوعاتی در این کتاب شریف اشاره شده که شناسایی و رفع آن‌ها می‌تواند موجب ارتقا سطح مادی افراد شود. «حوادث طبیعی و عذاب الهی» از مواردی است که در طول تاریخ گریبان‌گیر برخی اقوام شده و آنها را از پیشرفت بازداشته‌اند. «حکومت‌های ستمگر» با ایجاد بدعت و چپاول حقوق مردم، جامعه را در تنگناهای مادی قرار داده‌اند. در این میان برخی «دشمنان» نیز با قدرت ویرانگر خود سعی بر نابودی جوامع داشته‌اند. چنین افرادی هدفی جز توقف رشد و سعادت دنیوی و اخروی مردم نداشته‌اند. صحیفه سجادیه به رفتار متناسبی برای برخورد با این معاندین اشاره کرده است. «ظلم» و ستم مانع دیگری در رشد مادی افراد است. امام سجاده علیه السلام اشاره دارند که نه تنها ظلم، بلکه کمک به ستمگر، خوار کردن و یاری نرساندن به ستمدیده نیز از مصادیق ظلم است. «ناسپاسی» از مردم و از خداوند از دیگر علل رکود انسانی بوده و امام زین‌العابدین علیه السلام مباحث زیبایی در معارف شکر و حمد بیان می‌فرماید.

الغَيْظُ، وَ إِطْفَاءُ النَّارِ، وَ صَمُّ أَهْلِ الْقُرْفَةِ، وَ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءُ الْعَارِفَةِ، وَ سِتْرُ الْعَائِبَةِ، وَ لِينُ الْعَرِيكَةِ، وَ حَفْضُ الْجَنَاحِ، وَ حُسْنُ السَّيْرِ، وَ سُكُونُ الرِّيحِ، وَ طَيْبُ الْمُخَالَفَةِ، وَ السَّبْقُ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَ إِثَارُ التَّفَضُّلِ، وَ تَرْكُ التَّعْيِيرِ، وَ الْأَفْضَالُ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَ الْقَوْلُ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَ اسْتِقْلَالُ الْخَيْرِ وَ إِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ اسْتِكْتَارُ الشَّرِّ وَ إِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَ فِعْلِي، وَ أَكْمَلُ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَ لُزُومِ الْجَمَاعَةِ، وَ رَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَ مُسْتَعْمَلِ الرَّأْيِ الْمُخْتَرَعِ؛ ای خداوند! مرا سیمای صالحان ده و جامه پرهیزگاران در گسترده عدل و فروخوردن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و به هم پیوستن تفرقه جویان و آشتی دادن خصمان و فاش کردن نیکی و پوشیدن عیب‌ها و نرم‌خویی و فروتنی و نیک‌سیرتی و بیرون راندن باد غرور از سر و خوش‌خویی و سبقت در فضیلت و ایثار در بخشش و دم فروبستن از عیب دیگران و ترک افضال در حق کسی که درخور افضال نباشد و گفتن سخن حق، هرچند دشوار بود و اندک شمردن نیکی‌های خود در کردار و گفتار هرچند بسیار بود و بسیار شمردن بدی‌های خود در کردار و گفتار هرچند اندک بود. ای خداوند! این صفات را در من به کمال رسان به دوام طاعت خود و همسویی با جماعت مقبول و دوری از بدعت‌جویان و پیروان باورهای مجعول. (الصحيفة السجادية، ص ۹۶) همچنین برای مطالعه گزاره‌های بیشتر در موضوع «اخلاق ناپسند»، به الصحیفه السجادیة، ص ۵۶ و ۷۴ و ۱۶۸ و ۱۷۸ مراجعه کنید.

قرض گرفتن از موانع پیشرفت محسوب نشده و آنچه در کلام امام سیدالعابدین علیه السلام جزء موانع پیشرفت است، موضوع «اندوه قرض» است. «آرزوهای طولانی» نیز یکی از عرصه‌های شکست انسان و موجب غفلت اوست. «اسراف» در امور مادی نیز از موانع ارتقا زندگی محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل کندی رشد مادی جامعه وجود «فقر» است. فقر باعث عقب‌ماندگی جوامع شده و برخی تبعات مانند روی آوردن مردم به ناهلان از نتایج آن است. «ترس» نامطلوب نیز از موانع رشد زندگی آدمی محسوب شده و ناشی از وحشت از غیر خدا است. وحشت پسندیده، بیم از عذاب پروردگار به خاطر ارتکاب معصیت و گناه است. امام سجاده علیه السلام همچنین از «حسادت» افراد به ایشان و هر رفتار حسودانه به معبودش پناه برده‌اند. صحیفه سجادیه به برخی «اخلاق ناپسند» که مانع در پیشرفت مادی افراد هستند نیز اشاره کرده و از آن به خدا پناه برده است.

تمامی عناوین فوق درواقع موانعی هستند که قابلیت جاری شدن در زندگی مادی انسان‌ها را دارند و می‌توان با پناه بردن به خدا و سعی در زدودن چنین موضوعاتی در زندگی، به معیشتی حلال و خدایسندانه دست یافت.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. الصحیفة السجادیة، امام سجاده علیه السلام، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
۳. آفاق الروح، سیدمحمدحسین فضل الله، بیروت، دارالملاک، ۱۴۲۰ق.
۴. آینه مکارم (شرح دعای مکارم الاخلاق امام سجاده علیه السلام)، روح الله خاتمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۵. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ش.
۷. الخصال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۸. دیار عاشقان، حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، ۱۳۷۱ش.
۹. ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین علیه السلام، سیدعلی خان مدنی شیرازی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۰. ریاض العابدین، بدیع الزمان قهپایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۱. شرح الصحیفة السجادیة، سیدمحمد شیرازی، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۵ق.
۱۲. شرح صحیفة سجادیة، محمدعلی مدرسی چهاردهی، تهران، موسسه احیاء آثار جعفری، ۱۳۶۰ش.
۱۳. شرحی بر دعاهای صحیفة سجادیة، شهود و شناخت، حسن ممدوحی کرمانشاهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۳ش.

۱۴. صحیفه سجادیه، ترجمه آیتی، تهران، سروش، ۱۳۷۵ش.
۱۵. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۶. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۷. فرهنگ صفات، عباس اسماعیلی یزدی، تهران، اسوه، ۱۳۸۶ش.
۱۸. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۱۹. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۰. کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۲۱. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۲۲. لوامع الانوار العرشیه فی شرح الصحیفه السجادیه، سیدمحمدباقر موسوی حسینی شیرازی، اصفهان، مؤسسه الزهراء، ۱۳۸۳ش.
۲۳. مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق، بیروت، اعلمی، ۱۳۷۶ش.
۲۴. المعانی الجلیه فی شرح الصحیفه السجادیه، نبیل شعبان، بیروت، الهدی و الارشاد، ۱۴۱۰ق.
۲۵. مکارم اخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۲۷. مقاله واکاوی مفهوم ترس با تکیه بر نوع ضد ارزشی آن در قرآن، مجله معرفت اخلاقی، ش ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش.
۲۸. مقاله عوامل پیشرفت از منظر قرآن کریم، مهدی رستم نژاد، مجله قرآن و علم، ش ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش.
۲۹. مقاله غلبه بر موانع موفقیت از دیدگاه قرآن و روایات، الهه سلیم زاده و محمدحسین توانایی، مجله مطالعات قرآنی، ش ۱۸، تابستان ۱۳۹۳ش.
۳۰. مقاله قرآن کریم و راه کارهای توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی، سیدمحمدرضا علاءالدین، مجله کوثر، ش ۴۴، پاییز ۱۳۹۱ش.
۳۱. مقاله مبانی و شاخص های رشد معنوی انسان در قرآن، محمد قاسم پور، مجله پژوهش دینی، ش ۱۵، پاییز ۱۳۸۶ش.
۳۲. مقاله موانع پیشرفت معنوی از دیدگاه صحیفه سجادیه، علی انجم شعاع، مجله دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، ش ۷، زمستان ۱۳۹۸ش.